

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

بررسی نقش روایات و احادیث در تعیین دلالت دو واژه "رحمن" و "رحیم"

نعیم رحمانی

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

رایانامه: fares.1966@gmail.com

چکیده:

آن چه در تعیین معنای اولیه یک واژه نقش دارد، ریشه لغوی آن است. دو واژه "رحمن" و "رحیم" هم از این قاعده مستثنی نیستند. ولی بحث اصلی از این جا آغاز می شود که رحمن بر وزن فعلان و رحیم بر وزن فعیل، می بایست براساس صیغه آنها معنایی اضافه تر از ریشه داشته باشند. این بحث هم با توجه به قواعد زبان قابل توضیح است. از طرفی روایات برای توضیح معنای واژه یا آیه بوده و این در صورتی است که واژه در بافت آیه نیاز به توضیح بیشتری داشته باشد. این مسئله در بسیاری موارد موجب تکمیل معنای آیه و دلالت بیشتر می شود، ولی در برخی موارد همانند دو واژه رحمن و رحیم مستقیماً در تعیین معنای آن نقش دارند. این مقاله در پی آن است که نقش روایات را در تعیین مدلول رحمن و رحیم تعیین کند. مدلولی که می بایست در وهله نخست براساس معنای لغت و صیغه این دو واژه تعیین شود؛ نه این که روایات نقش مستقیم در تعیین مدلول آن داشته باشند. روایات و احادیث مربوطه در نهایت به چهار دسته تقسیم شد و این نتیجه به دست آمد که همه روایات به گونه ای بیانگر معنای این دو واژه هستند. هم چنین از قرن چهارم به بعد، مفسران برخی از این احادیث را با توجه به نزدیک بودن معنای آن به لغت و صرف و نحو، گزینش و انتخاب کردند و در توضیح دلالت دو واژه رحمن و رحیم از آن استفاده کردند.

واژگان کلیدی: رحمن، رحیم، روایات، دنیا، آخرت

مقدمه:

هر جامعه‌ای برای این که بتواند نقش مؤثری در روند پیشرفت خود و جهان داشته باشد، باید برای زبان و به ویژه معنا اهمیت ویژه‌ای قائل شود. تمامی آشنایی‌ها و ارتباطات میان انسان‌ها، از طریق معنایی که میان آنها منتقل می‌شود، صورت می‌گیرد. از این نظر در بسیاری از جوامع بحث پرداختن به معنا، در درجه اول پژوهشهای آنها قرار گرفته است. در این جوامع، علاوه بر توجه به معنا، بحث توجه به حریم واژگان هم مطرح است. هرچند نمی‌توان معنای هیچ واژه‌ای را در اثر گذر زمان، از تغییر مصون بداریم، ولی با وجود این، هر واژه‌ای برای خود حریمی دارد که نقض آن حریم، موجب تغییر معنای آن واژه می‌شود. این مسئله در مورد واژه‌های دینی، بیشتر نمود دارد؛ چرا که تغییر در آن واژه‌ها، موجب تغییر حکم الهی خواهد شد. دو واژه رحمن و رحیم هم از جمله این واژه‌ها است که در طول تاریخ به دلیل قرارگرفتن آنها در زمره صفات خداوند، مورد توجه بوده است. از جمله مواردی که در تعیین معنای این دو واژه تأثیرگذار بوده، روایاتی است که در مورد آنها وجود دارد. این روایات بیانگر معانی مختلفی از دو واژه رحمن و رحیم است که در این مقاله کوشش شده است نظمی به آنها داده شود تا با توجه به آن بتوان تأثیر آنها را در معانی دو واژه رحمن و رحیم مورد کنکاش قرار داد. دو واژه رحمن و رحیم در متون دینی ما قبل اسلام هم به چشم می‌خورد و این مسئله می‌تواند در تعیین دلالت آنها نقش داشته باشد. بنابراین این دو واژه، از جمله واژه‌های کلیدی در اسماء و صفات خداوند به شمار می‌رود که در این مقاله به بررسی تأثیر روایات در تعیین دلالت آنها پرداخته شده است.

در این مقاله سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا دلالت دو واژه رحمن و رحیم، با توجه به روایات تعیین شده‌اند، یا این که این روایات، در درجه دوم تعیین دلالت دو واژه به شمار می‌رود.

در باب پیشینه تحقیق، می‌توان به مقاله "الرحم و الرحمن بین الاشتقاق و التفسیر" نوشته محسن الخالدی چاپ شده در مجله النجاح دانشگاه النجاح فلسطین، اشاره کرد. مقاله مذکور، به دنبال اثبات اشتقاق واژه رحمن است و برای اثبات آن، برخی احادیث و روایات را ذکر می‌کند و در پایان اشتقاق رحمن را با توجه به روایتی، واژه رحم مادر می‌داند.

در این مقاله ابتدا رحمن و رحیم در لغت و قواعد بررسی شده، سپس احادیث وارده در باب رحمن و رحیم دسته‌بندی شده، و در نهایت نقش آنها در تعیین دلالت دو واژه رحمن و رحیم مورد مذاقه قرار گرفته است.

رحمن و رحیم در لغت و قواعد:

معانی رقت، شفقت، مهربانی، در لغت برای ریشه "رحم" ذکر شده است. (ابن منظور، بی‌تا، ذیل رحم)

برای ریشه "رحم" (ابن منظور، بی‌تا، ذیل رحم) هم در لغت چنین معنایی ذکر شده که می‌تواند بیانگر اختلاف لهجه و یا یکی بودن ریشه‌ها باشد. هیچ اختلافی در معنای ریشه دو واژه رحمن و رحیم وجود ندارد، به همین دلیل کاربرد این دو واژه در قواعد صرف و نحو را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رحمن بر وزن فعالان است که در کتب اولیه‌ی نحو به عنوان صفت مشبیه مطرح شده و دارای معنایی همچون بیان گرسنگی و تشنگی، امتلا و پُربودن و بیان حالت عارضی است. (ر.ک سیبویه، لات، ج ۴، ص ۲۱ و ۲۵۹، رضی استرآبادی، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۱۴۴)

برخی هم همچون زجاج، صیغه فعالان را برای مبالغه می‌دانند. (۱۹۸۸، ج ۵، ص ۱۵۲)

ظاهراً صیغه فعالان از ابتدا مبالغه نبوده است و همان‌گونه که ذکر شد، در ابتدا صفت مشبیه به شمار می‌رفته است. ابن خالویه دوازده صیغه را که بر مبالغه دلالت دارند، ذکر می‌کند که فعالان جزء آنها نیست. (السیوطی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۲۴۳)

بنابراین صیغه فعلان، از همان آغاز یک مسئله اختلافی در میان نحویان بوده است. ولی صیغه فعلیل که ساختار واژه "رحیم" است، تقریباً مورد اتفاق نحویان است که هم می‌تواند صفت مشبیه باشد هم صیغه مبالغه؛ به این صورت که اگر این صیغه از فعل لازم ساخته شود، صفت مشبیه و اگر ریشه آن فعل متعدی باشد، صیغه مبالغه خواهد بود.

لازم به ذکر است هدف از بیان ریشه و ساختار این دو واژه این است که دلالت رحمن و رحیم تقریباً تعیین شده است و در مرحله بعد که در جمله و بافت قرار می‌گیرد، شاید تنها تغییری جزئی کند. در واقع روایات و احادیث در توضیح واژه‌ها می‌آیند و به صورت کلی نمی‌تواند معنای واژه‌ای را بدون توجه به ریشه و ساختار آن، تغییر دهد. ما در این مقاله نمی‌خواهیم مسائل را از دید کلامی بررسی کنیم، چرا که در این صورت وارد مباحثی خواهیم شد که نخست از تخصص ما بیرون است و دوم این که مقاله به سرانجامی نمی‌رسد. هدف اصلی ما بررسی روایات‌های موجود- یا به عبارت فرمالیست‌ها، فرم‌های موجود- در مورد این دو واژه و نتیجه‌گیری براساس آنهاست.

دسته‌بندی احادیث و روایات:

روایات و احادیث زیادی در دست است که در آن با بیان دو واژه رحمن و رحیم، به گونه‌ای دایره معنایی آن را تعیین می‌نماید. در این قسمت ابتدا این روایات را دسته بندی می‌کنیم:

۱- در این دسته، خداوند، رحمن و رحیم دنیا و آخرت است. به عبارتی دیگر، گویی هر دو واژه، مترادف هستند. برای نمونه به برخی از روایات اشاره می‌شود:

- اللهم فارح اللهم كاشف الغم مجيب دعوة المضطرين رحمن الدنيا والآخرة و رحيمهما.

(پروردگارا، ای گشاینده ناراحتی‌ها و از میان برنده غم و غصه‌ها و ای رحمن و رحیم دنیا و آخرت) (الحاکم النیشابوری، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۶۹۶، الکلینی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۴۴۶، المتقی الهندی، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۳۷۹)

- رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ارحمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك. (خداوند، ای رحمن و رحیم دنیا و آخرت، بر من به گونه‌ای رحم فرما که از دیگران بی‌نیاز شوم.) (الطبرانی، ۱۹۸۳، ج ۲۰، ص ۱۵۴)

- قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء الی قوله وترزق من تشاء بغير حساب رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما (ای پیامبر، بگو: پروردگارا ای مالک هستی، به هر که بخواهی، می‌دهی... و بی حساب و کتاب به هر که بخواهی، رزق و روزی می‌دهی، ای رحمن و رحیم دنیا و آخرت.) (أبونعیم اصفهانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۰۴؛ سجاد، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۱)

در این دسته از روایات، تفاوتی میان رحمن و رحیم نیست و خداوند، هم رحمن و رحیم دنیاست هم آخرت. این روایات بیشتر در کتب تفسیری مآثور دیده می‌شود. چه اگر نگاهی به تفاسیر لغوی و بیانی بیان‌دازیم، کمتر با روایات این دسته رو به رو می‌شویم.

۲- در دسته دوم روایات، رحیم معنای جزئی‌تری نسبت به رحمن دارد. مفسران، بیشتر، این روایات را در تعیین دلالت رحمن و رحیم مدنظر قرار داده‌اند؛ چرا که با معنای لغوی و ساختار واژه هماهنگ‌تر است.

- هو رحمن الدنيا والآخرة، رحيم بأهل الإيمان به. (خداوند، رحمن دنیا و آخرت است و نسبت به اهل ایمان، رحیم می‌باشد.) (طبری، ۲۰۰۰، ج ۲۳، ص ۳۰۲)

- والرحمن رحمن الدنيا والآخرة، والرحيم رحيم الآخرة". (خداوند، رحمن دنیا و آخرت و رحیم آخرت است.) (الطوسی، لات، ج ۱، ص ۲۷، الطبرسی، ج ۱، ص ۶۵، ابن کثیر، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۱۹)

در الکشف و البیان ثعلبی هم قولی از امام جعفر صادق نقل شده که در راستای این روایات است.

و هذا قول جعفر بن محمد الصادق: الرحمن اسم خاص بصفة عامة والرحيم اسم عام بصفة خاصة (الثعلبي، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۹۹) این روایات بیشتر مورد توجه مفسران بوده است؛ به همین دلیل در ذیل بیان تفاوت دو واژه رحمن و رحیم، این دسته از روایات، بیشتر دیده می‌شود.

این روایت اخیر - امام جعفر صادق - نقشی کلیدی در توضیح دلالت واژه‌های رحمن و رحیم داشته است؛ چرا که براساس آن واژه رحمن - با صفت عام - دارای معنای بیشتری نسبت به رحیم - با صفت خاص - است.

۳- رحيمُ الدنيا ورحمنُ الآخرة. (السمين الحلبي، لات، ج ۱، ص ۳۳-۳۴)

این حدیث، در منابع زیادی دیده نشده و به همین دلیل آن چنان مدنظر مفسران نبوده است. نکته مهمی که در مورد این حدیث وجود دارد، این است که عده‌ای بر اساس همین حدیث، رحیم را بلیغ‌تر از رحمن می‌دانند؛ مسئله‌ای که نه براساس لغت و قواعد مورد قبول است و نه براساس منطقی. چرا که براساس مواردی که تا به حال بررسی شد، دو واژه رحمن و رحیم در نظر برخی نحویان و مفسران، به یک معنی هستند و در نظر برخی دیگر رحمن معنای بیشتری نسبت به رحیم دارد. به همین دلیل مفسران وارد توجیه این روایت شده‌اند. برای نمونه یکی از این توجیه‌ها را بیان می‌کنیم: ومنهم من عكس فجعل الرحيم أبلغ، ويؤيده رواية من قال: رحيم الدنيا ورحمان الآخرة، لأنه في الدنيا يرحم المؤمن والكافر، وفي الآخرة لا يرحم إلا المؤمن. لكن الصحيح أن الرحمن أبلغ، وأما هذه الرواية فليس فيها دليل، بل هي دالة على أن الرحمن أبلغ، وذلك لأن القيامة فيها الرحمة أكثر بأضعاف، وأثرها فيها أظهر، على ما يروى أنه خبأ لعباده تسعاً وتسعين رحمة ليوم القيامة. (السمين الحلبي، لات، ج ۱، ص ۳۳-۳۴)

در این جا مسئله این گونه بیان شده است که چون در روز رستاخیز، خداوند رحمت بیشتری دارد، برای آن صفت رحمن - که معنای بیشتری نسبت به رحیم - دارد، ذکر شده است و برای توضیح آن به روایت دیگری متوسل می‌شود که اگر خداوند صد رحمت داشته باشد، نود و نه رحمت خود را برای روز رستاخیز در نظر گرفته است. اگر توجیهاات مفسران در باب دسته دوم روایات را با توجیه دسته‌ای که ذکر شد، مقایسه کنیم، متوجه این نکته خواهیم شد که در این دسته از روایات هم برای این که معنای روایت با ریشه و ساختار لفظ هماهنگ گردد، رحمت دنیا را بیشتر از روز رستاخیز می‌دانند؛ چرا که رحمت دنیا شامل انسان مؤمن و کافر می‌شود، ولی رحمت خداوند در روز رستاخیز، تنها شامل مؤمنان خواهد شد.

بررسی توجیهاات این دو دسته روایات، بیانگر نقش مؤثر روایات در معنای دو واژه رحمن و رحیم است. لازم به ذکر است این حدیث - رحيم الدنيا و رحمن الآخرة - دارای بسامد زیادی در کتب حدیث و تفسیر نیست و به همین دلیل نمی‌توان خیلی به آن استناد کرد و تنها برای غنای مطلب در این قسمت توضیح داده شد.

۴- رحمن الدنيا و رحيم الآخرة. (البغوي، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۵۱)

این حدیث ظاهراً از عیسی (ع) نقل شده است و راوی آن در کتب حدیث و تفسیر ابوسعید خدری می‌باشد.

بیشتر مفسران در بیان تفاوت میان رحمن و رحیم از حدیث دسته اول استفاده نکرده‌اند؛ چرا که در این حدیث، خداوند، رحمن و رحیم دنیا و آخرت است و هیچ تفاوتی میان دو واژه در نظر گرفته نشده است. به عبارتی دیگر، مفسران در قرون اولیه، کمتر به بحث تفاوت میان دو واژه رحمن و رحیم توجه کردند و همین مسئله موجب شد روایات و احادیث مختلف هم در ذیل آنها ذکر شود. به تدریج و از قرن چهارم هجری به بعد و پس از مطرح شدن بحث اعجاز قرآن و اهتمام بیشتر به لفظ نسبت به معنا، تنها به احادیث دسته دوم استناد می‌شد و روایات دسته‌های دیگر یا ذکر نمی‌شد و یا به نوعی توجیه می‌شد.

هیچ شکی نیست که روایات دسته دوم با معنای دو واژه هماهنگ است، ولی این نکته نمی‌تواند دلیلی بر این مسئله باشد که معنای این دو واژه براساس احادیث تعیین شده باشند. بحث نخستی که در زبان‌های اشتقاقی حائز اهمیت می‌باشد، ریشه واژه

است. پس از این نوبت می‌رسد به ساختار و صیغه واژه که معنای آن را تعیین کند. مرحله سوم، بحث کاربرد این واژه در جمله است که ممکن است با توجه به واژگان موجود در اطراف این واژه، معانی دیگری به آن اضافه یا از آن کم شود.

به صورت کلی به سه حالت می‌توان با صفات خداوند به شکل کلی و رحمن و رحیم به صورت خاص تعامل کرد. حالت اول این که هر دو واژه به یک معنا باشند که در این صورت همه روایات و احادیث در توضیح آن می‌تواند صحیح باشد.

حالت دوم این که هر دو واژه به یک معنا باشد که در این صورت نمی‌توان همه احادیث را برای توضیح آن در ذیلش ذکر نمود.

حالت سوم این که هر دو صفت خداوند هستند، ولی رحمن بیشتر به صورت اسم علم کاربرد دارد و رحیم به صورت صفت، به همین دلیل در روایت‌های مختلف، به چند صورت ذکر شده است.

این چهار دسته از روایات، در واقع بیانگر اهمیت این دو صفت در میان صفات دیگر خداوند است. هر چند همه صفات خداوند دارای اهمیت هستند، ولی این دو واژه از آنجایی که در بسمله هم تکرار می‌شود، بیانگر اهمیت آن است. هم‌چنین می‌تواند به این مطلب هم اشاره داشته باشد که اسلام، دینی است سراسر رحمت و عرفان‌های نوظهوری که به دنبال کشتن بی‌رحمانه انسان‌ها با نام دین هستند، هیچ ارتباطی به اسلام ندارند.

بنابراین چهار دسته روایت در مورد دو واژه رحمن و رحیم وجود دارد که هر یک از آنها بیانگر معنایی هستند. البته بحث صحت و ضعف احادیث در این مقاله نشده و بیشتر بسامد و تکرار احادیث مدنظر بوده است.

تحلیل ماجرا:

اولین مسئله‌ای که باید روشن شود، اختلاف روایاتی است که در مورد رحمن و رحیم ذکر شده است. این بحث از آنجا ناشی می‌شود که در روایات و احادیث، بنابر سیاق و بافت، از این دو واژه استفاده شده و گاهی دامنه واژگانی گسترده‌تری را - با توجه به نامحدود بودن صفات خداوند- در رحمن و رحیم در نظر می‌گیرند. غالب مفسران در بیان معنای دو واژه رحمن و رحیم، پس از بیان معنای لغوی، احادیثی را در ذیل آن ذکر می‌کنند. مهم این است که یک مفسر، چه گزینش و انتخابی را - با توجه به روایات چهارگانه ذکر شده در قسمت قبل - انجام می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین روایاتی که ذیل تفاوت بین دو واژه رحمن و رحیم ذکر شده، روایات دسته دوم است که در آن رحمن معنای بیشتری نسبت به رحیم دارد.

بیشترین مفسرانی که از دسته دوم روایات در تأیید گفته‌یشان بهره برده‌اند، مفسران با صیغه لغوی بوده‌اند. مفسرانی همچون زمخشری پس از بیان تفاوت میان رحمن و رحیم، روایاتی را در تأیید آن ذکر می‌کنند که با آنها هماهنگ باشد. از طرفی در برخی تفاسیر، روایات دسته‌های دیگر هم در کنار دسته دوم ذکر می‌کنند و به نوعی آن را با آن روایات هماهنگ و همسو می‌کنند. زمخشری در توضیح دو واژه رحمن و رحیم می‌گوید: فعلا دارای معنای بیشتری نسبت به رحیم است و به همین دلیل در روایات آمده است: رحمن الدنيا والآخرة و رحیم الآخرة. (الزمخشری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰)

بررسی تفاسیر نشان می‌دهد پس از بحث‌های مربوط به اعجاز قرآن و توجه بیشتر به لفظ نسبت به معنا، گزینش روایات و احادیث هماهنگ با ساختار دو واژه رحمن و رحیم آغاز شده است. به عبارتی دیگر تدریجا تمرکز مباحث تفسیری، به سمت مباحث لغوی رفت و همین مسئله موجب شد تا احادیث و روایات دسته دوم و احادیث دیگری که از لحاظ مضمون به این دسته از روایات نزدیک بودند، در توضیح رحمن و رحیم ذکر شود.

اگر از لحاظ کاربرد واژه‌ها در زبان هم بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که رحمن معنای بیشتری نسبت به رحیم دارد. هر چند واژه رحمن، در بسمله، همجوار با واژه رحیم بیان شده، ولی به تنهایی و مترادف با واژه الله (، آیه ۱ سورة الرحمن، آیه ۱۱۰)

سوره اسراء) هم ذکر شده است و این مسئله نشان می‌دهد دایره واژگانی این واژه وسیع‌تر از واژه رحیم است و بیشتر روایات هم بر این مسئله صحه می‌گذارند.

می‌توان گفت روایات و احادیثی که در آنها هیچ تفاوتی میان دو واژه رحمن و رحیم دیده نمی‌شود و هر دو به یک معنا استفاده شده‌اند، جنبه کلی مسئله در آنها لحاظ شده است و خداوند در همه حال، هم رحمن است و هم رحیم. ولی در مورد روایات و احادیثی که این دو واژه تخصیص - به دنیا یا آخرت - خورده‌اند، مسئله توجه به مباحث لغوی مدنظر است. به عبارتی دیگر نگاه به واژه‌ها می‌تواند متفاوت باشد و یک واژه در یک بافت، به صورت عام و در بافتی دیگر به صورت خاص مورد استفاده قرار گیرد.

هر مفسری بنابر بر صبغهای - لغوی، کلامی، فقهی و ... - که دارد، روایات و احادیث را گزینش می‌کند و آن را در توضیح واژه‌ها بیان می‌کند. برخی مفسران هم همه روایات را بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با مسئله مورد بحث، ذکر می‌کنند. هدف اصلی روایات و احادیث، - بنابر آیات - تبیین قرآن است؛ چرا که قرآن کریم به صورت فشرده بیان شده و در بسیاری جاها نیاز به توضیح و تبیین دارد. دو واژه رحمن و رحیم هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و در طول تاریخ بررسی‌های زیادی بر روی آنها صورت گرفته است. رحمن از آنجایی که می‌تواند اسم علم برای خداوند باشد، می‌تواند صفات دیگر را زیر چتر خود قرار دهد و نسبت به رحیم دارای معنای بیشتری باشد. به همین دلیل نیازی نیست هر روایتی که با این مسئله هماهنگ نیست، توجیه شود؛ چرا که مقصود در این چنین روایات، نگاهی کلی و بدون در نظر گرفتن تفاوت میان صفات است و همین مسئله موجب این اختلافات در گزینش روایات و احادیث شده است.

برای این که بهتر بتوان از روایات و احادیث بهره برد، گام نخست باید معنای لغوی واژه واضح شود. سپس ساختار صرفی واژه مورد تحلیل قرار گیرد و در مرحله سوم، روایات و احادیث می‌توانند در توضیح بیشتر واژه کمک کنند. البته همان‌گونه که گفته شد در برخی موارد، روایات و احادیث، معنای واژه‌ها را - بنابر بافت و سیاق - گسترده‌تر می‌کنند و باید در بررسی روایت‌ها و بیان دلالت واژه‌ها به این مسئله هم توجه کرد.

در پایان بحث موضوعاتی به نظر نگارنده می‌رسد که شاید کسانی در آینده بتوانند از آنها به عنوان موضع پژوهش بهره ببرند:

- تعیین دلالت واژگانی رحمن و رحیم براساس قرآن و حدیث

- بررسی ریشه "رحم" و "رحم" در فرهنگ لغت‌ها

- بررسی واژه رحمن در ادیان گذشته و مقایسه آن با اسلام

نتیجه‌گیری:

بررسی دو واژه رحمن و رحیم نشان می‌دهد این دو واژه در میان روایات و احادیث مختلف، حوزه‌های معنایی متفاوتی برای آن شکل گرفته است. با بررسی روایات و احادیث در مورد این دو واژه، چهار دسته‌بندی در مورد این روایات به دست آمد. دسته اول، این دو واژه را به یک معنا می‌داند و ظاهراً مربوط به قرون اولیه است که هنوز بحث‌های جدی مربوط به اعجاز قرآن و مسائل مربوط به لفظ و معنا شکل نگرفته است. دسته دوم روایات که از بسامد بیشتری نسبت به دیگر روایات برخوردارند، با معنای لغوی و ساختاری دو واژه رحمن و رحیم هماهنگی دارند و همین مسئله بیانگر استفاده جمع‌گرایانه از مفسران از این روایات است. کمترین روایات نقل شده مربوط به دسته سوم است که جای رحمن و رحیم در آن تغییر کرده است - رحیم دنیا و رحمن الآخرة - ولی باز، مفسران آن را در راستای معنای لغوی و ساختاری دو واژه رحمن و رحیم توجیه کرده‌اند. بسیاری از مفسران زمانی که تفاوت‌های میان دو واژه رحمن و رحیم را بیان می‌کنند، در مرحله اول از حدیث و روایت استفاده می‌کنند. این مسئله با وجود چهار دسته روایت مختلف، نمی‌تواند الگویی صحیح باشد، چرا که اگر یک حدیث را به عنوان حجت و دلیل بپذیریم، نقش دیگر احادیث چه خواهد شد. بهتر این است که نخست معنای لغوی و ساختاری - صرفی - دو واژه ذکر شود، سپس روایات و احادیث مربوطه برای توضیح بیشتر ذکر شود. در پایان می‌توان کثرت روایات و احادیث مربوط به دو واژه رحمن و رحیم را این‌گونه توجیه کرد که هر دو واژه تقریباً به یک معنا - هرچند معنای رحمن بنابر قواعد نسبت به رحیم بیشتر است - به کار رفته است و کاربرد واژه رحمن، بیشتر به صورت اسم علم بوده و واژه رحیم بیشتر به صورت صفت استفاده می‌شود. هم‌چنین بسامد فراوان روایات و احادیث در مورد دو واژه رحمن و رحیم، نشان از اهمیت این دو صفت از صفات خداوند می‌باشد.

منابع:

- ابن منظور، محمد بن مكرم، (بى تا) لات، لسان العرب، بيروت: دار صادر، الطبعة الأولى
ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق سامى بن محمد سلامة، الرياض: دارالطبعة للنشر و التوزيع، ١٩٩٩،
الطبعة الثانية
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، (١٤٠٥)، حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، بيروت: دارالكتاب العربى، الطبعة الرابعة
البغوى، حسين بن مسعود، (١٩٩٧)، معالم التنزيل، تحقيق محمد عبدالله النمر و آخرون، الرياض: دار طيبة للنشر و التوزيع،
الطبعة الرابعة
- الثعلبى، احمد بن محمد، (٢٠٠٢)، الكشف و البيان، تحقيق ابو محمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ، الطبعة الأولى
الحاكم النيشابورى، محمد بن عبدالله، (١٩٩٠)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب
العلمية، الطبعة الأولى
- رضى الأسترابادى، محمد بن حسن، (١٩٨٢)، شرح شافية ابن الحاجب، تحقيق محمد نورالحسن و آخرون، بيروت: دارالكتب
العلمية
- الزمخشري، محمود بن عمر، (بى تا)، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل، بيروت: دار إحياء التراث
العربى
- سجاد، على بن حسين، (١٣٩١)، صحيفة سجادية، مترجم عبدالمحمد آيتى، تهران: سروش
- السيوطى، جلال الدين، (١٩٨٦)، المزهرة فى علوم اللغة و أنواعها، تحقيق محمد احمد جادالمولى بك و آخرون، بيروت: المكتبة
العصرية
- سيبويه، عمرو بن عثمان، الكتاب، (بى تا)، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت: دارالجيل.
- الطبرانى، سليمان بن أحمد، (١٩٨٣)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى بن عبدالمجيد السلفى، الموصل: مكتبة العلوم و الحكم،
الطبعة الثانية
- الطبرى، محمد بن جرير، (٢٠٠٠)، جامع البيان فى تأويل القرآن، تحقيق أحمد محمد شاكر، بيروت: مؤسسة الرسالة
الطوسى، محمد بن حسن، (بى تا)، التبيان فى تفسير القرآن، تصحيح احمد حبيب عاملى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- الكلينى، محمد بن يعقوب، (١٣٨١)، ترجمة محمد باقر كمرهائى، قم: اسوه
- المتقى الهندي، على بن حسام الدين، (١٩٨٩)، كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، بيروت: مؤسسة الرسالة

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی